د) محدوده تبعیت قضا از ادا و استظهار از ادله قضاء در انشائات طولی

قبلاً چند جلسه راجع به اینها صحبت شد. اینکه قضا تابع ادا هست یا نیست؟ عرض کردم هست و نیست. کسانی که می‌گویند قضا تابع امر جدیدی است خلاف ارتکاز خودشان حرف می‌زنند. وقتی شما می‌گویی قضا تابع امر جدید است، یعنی شما همان امر نماز را قضا نمی‌کنی؟! داری امتثال امر جدیدی می‌کنی؟! اصلاً در دل قضا خوابیده است؛ «اقض ما فات» یعنی آن چه که «فات بامره» را قضاء کن. شما می‌گویی چه کار داری، آنکه رفت؟! فقط این امر جدید هست. درحالی‌که اینطور نیست.

لذا برای نماز هم همینطور است. یعنی اینکه تا عمر داری «اقض ما فات»، کاشف از یک انشاء طولی است؛ حتی زیر شبانه‌روز. منافاتی هم ندارد. وقتی روش را یادگرفتیم از ادله شرعیه یک نظم را کشف می‌کنیم. نظم طولی و عرضی. این نظم استظهار از دلیل می‌شود؛ یعنی وقتی به عرف عقلاء عرضه کنید اگر همه آنها این استظهار شما را تأیید کردند مقبول است. اما اگر گفتند شما اینها را در مدرسه درآورده‌اید، ما این را قبول نداریم، حجت ندارید. اما اگر گفتیم و عرف عقلاء گفتند درست است، از این ده دلیل فهمیده می‌شود که شارع مقدس این نظم را مراعات کرده است. چون این نظم در کار او بوده. این استظهار از دلیل است. پس آخر کار نمی‌گویی‌م دلیل داریم! بله، دلیل داریم اما از دلیل، استظهاری اوسع از ظاهرش کردیم. استظهاری که عرف عقلاء با ما همراهی کردند.

شاگرد: روایت قضاء چه می‌شود؟

استاد: «اقض ما فات» یعنی چه؟ یعنی درست است که من مولی گفتم در این شبانه‌روز نماز بخوان، این شبانه‌روز که بر تو گذشت، اما ماهیت نماز برای کل وجودت تو نسبت به دنیا و آخرتت، این توانایی را دارد که تنها در این ظرف نقش ایفاء نکند. اگر هم نشد تا عمر داری می‌توانی برای تو نافع باشد. به خلاف واجب موقتی که قضا نداشته باشد. امر به قضا ندارد. یعنی چه؟ یعنی همینجا بود. این وقت اگر رفت، دیگر رفت. دیگر کاری نداشته باشید. دیگر رفت. اگر هم معصیت کردی، معصیت کردی. لذا اینکه می‌گویی‌م قضا تا بعد هست، یعنی امر مولی می‌گوید این چیزی که من به تو در شبانه‌روز گفتم، ظرفیتی دارد که تا زنده هستی منفعتش برای تو و شأنیت نفع رساندن آن برای تو باقی باشد.

شاگرد۲: پس ادله قضا تأکیدی است و تأسیسی نیست.

استاد: نه، آن جایی که ریخت کار این است که وقتی وقت گذشت، دیگر گذشت، خود این کار دیگر آن ظرفیت را ندارد که مصلحتش حتی در ورا وقت بماند. در اینجا نه، می‌گوییم شارع نفرموده بعدش هم بماند. فلذا بحثی بود که آیا قید وقت به یک ماهیت می‌خورد، قید خود امر هست یا

نیست. کسانی که می‌گفتند قضاء تابع ادا است، استدلالشان همین بود. می‌گفتند قید طوری به امر وصل می‌شود که وقتی آن قید رفت دیگر آن را نداریم. الّا اینکه خود مولی بفرماید.

بازبینی #1
ایجاد شده 3 مه 2026 15:31:19 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 مه 2026 15:32:01 توسط ... .